

بسم الله الرحمن الرحيم

حسّی اگر پرندہ ترین با شم

مجموعہ شعر

مریم مہر آذر
سعید قربانیان

مہر ماہ ۱۳۸۳

فهرست

صفحه	عنوان
۶	پیشگفتار
۹	فصل اول (مریم مهراندر)
۱۰	خیمبازه های خسته ی این شهر مال کیست
۱۱	بر گونه های ماه خون می زند شتک
۱۲	شهر را توی دفترت بنویس
۱۳	هر وقت حس شعر ندارم تو با منی
۱۴	قبول! عشق فقط درد سر خریدن بود
۱۵	زیر بلندای این سقف ما در جواز هبل ها
۱۶	می آیی از بهاری دورخوابی عطراگینی
۱۷	از دست چیره دست که بود آفریدنت
۱۸	بهار می کند این کوچه را چراغانی
۱۹	هر قدر عاشقانه و خوبی تو من بدم
۲۰	روز سه شنبه پنجم اسفند زیر برف
۲۱	رفته بودی که تازه فهمیدم ...
۲۲	و در ایوان سرخ آجری یک عصر پاییزی
۲۳	سفر به خیر مسافر سفر به خیر عزیز
۲۴	تو از پایان قصه می رسی فانوس در دست
۲۵	آغاز می شویم از اینجا از اشتباه
۲۶	تن داده ام به این که برقصم برابرت
۲۷	زن با کرشمه های غزل خیز بر خلیج
۲۸	به چهره داشت غم چشم های آهو را
۳۰	مستزاد

۳۱	فصل دوم (سعید قربانیان)
۳۲	و من شناختمش از صدای تنبورش
۳۳	پک سر بیا به خانه ام آخر مرا بین
۳۴	اردیبهشت شاعره بانوی من سلام
۳۵	چندیست فکر می کنم از جنس آهنم
۳۶	سرکشی مثل اسب های سفید ...
۳۷	حتی اگر پرنده ترین باشم ...
۳۸	این روزها شبیه خودم هیچ نیستم
۳۹	دم غروب چنان بد شدم که گلّه رمید
۴۰	و روی دامن زن سیب ناگهان افتاد
۴۱	از من جدا کن این من از من بریده را
۴۲	دوشنبه نم نم باران چهارم بهمن
۴۳	بگذار تا دوباره بگویم از ...
۴۴	به رقص آمده بید از جنون دف زدنت
۴۵	باران که ریخت بر سر من عاشقت شدم
۴۶	هر شعر را به نام تو آغاز می کنم
۴۷	کردهای قبیله پژمردند ...
۴۸	تو نیستی ولی انگار با منی با من
۴۹	پر بزنی ای کلاغ شوم برو ...
۵۰	گلدهای دور صدا می زنندمان
۵۱	دختر کوزه آب می خواهم ...
۵۲	چسب بردار با خودت حتما ...
۵۴	مجمع گرم چند میر غضب ...

مهرآذر، مریم
 حتی اگر پرنده ترین باشم / مریم مهر آذر، سعید قربانیان.
 - مشهد: سنبله، ۱۳۸۳.
 ۵۴ص.
 ISBN: 964-092-185-9
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 ۱. شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها، الف. قربانیان،
 سعید. ب. عنوان.
 ۲ج ۹۱۲م / ۴۱۹۰ PIR
 ۸۱۴۱ / ۶۲۰۸
 ۱۳۸۳
 کتابخانه ملی ایران
 ۳۲۹۱۸ - ۸۳ م



نشر سنبله

مجموعه شعر

حتی اگر پرنده ترین باشم

نویسندگان: مریم مهر آذر - سعید قربانیان

تایپ و صفحه آرایی: آوای قوچان ۲۲۲۲۷۹۴ - ۰۵۸۱

ناشر: نشر سنبله

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۸۳

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

چاپ: دقت ۳۴۱۹۵۶۰ (خط ۵)

شابک: ۹ - ۱۸۵ - ۳۹۲ - ۹۶۴

“پیشگفتار”

و در آغاز کلمه بود و کلمه نماد انسان و شعر زیباترین کلام برای انسانی که زیبایی مطلق بیان را به او آموخت.

نمی توانم شادیم را پنهان کنم چرا که شایسته ام دانستند، تا از زیبایی ها بنگارم. از آنان که بیان را آموختند و آن را به شیواترین شیوه ارمغان انسانی کردند که دست نکو آفرین ایزدی به گزیده ترین گونه اش آفرید و کل سرسبد آفریده هایش خواند و از آن شاهکار بر خویش آفرین فرستاد.

از نخستین سپیده دمانی که آدمی خود را شناخت و ازه ها پدید آمدند تا پل پیوند باشند آفریدگان والای پروردگار را و آنگاه که پای عشق به میان آمد و زیبایی چهره گشود، و ازه هایی ویژه می بایست تا توان بیان داشته باشند اوج قشنگی ها را، و آنجا بود که گلوازه های خجسته در پیکره ی سرایش اندیشه های والا شکوفیدند و از این شکوفایی زیبا شعر پدید آمد.

آدم دور افتاده از بهشت و از یستن بر کره خاکی دشوار بود و درد دوری ناهموار. او اینک در قفسی گرفتار آمده بود که هیچگاه خواستارش نبود. پس به ناچار راه های رسیدن به سر چشمه ی زیبایی ها را کاوشگر بود تا فردوس دوباره ای را بیابد که سابه ی نوازش آن زیبای همیشه را بر خود داشته باشد. و شعر سخنی بود که او در بیان گله و درد بر زبان آورد و با آن به شناساندن شاهراه هایی پرداخت که آغازشان زمین و پایانشان هفتیمن شهری است که ویژگی های مینوی جاوید را دارد. قافی که سیمرخ مهر و همای شادی آفرین بلند آشیانشان را بر آن بنا نهاده اند.

در باره ی این دو که تازه پایه مرز جوانی گذاشته اند شعرهایشان بهترین گواه است
و نیاز به ستایش و نگارگری ندارد. چرا که چون بسیاری نیستند و نه از آنانند که خشم
به بازسرای بازگفتهای پیشینیان پیدا کنند و نه از امانتی هستند که به یکبار بستن پای

داشته ها زتند و در ادای باختر نشینان، شتاب آلود و تند در گرداب تندروی ها و
چستان گونه سرایی ها گرفتار آیند.

ویژگی آشکار سروده های سعید و مریم را نخست باید در زبان نوشتاری آنان
جست و دو دیگر در بیان اندیشه ی رفتاریشان، که زبان شعری آنها جامه ای نو
دارد و از تند روی های بی مورد در آن کمتر خبری است و از دیگر سو شعر را
آنگاه می خواهند که بیانگر احساس و اندیشه باشد نه تنها بازی با واژه ها.
امید آن دارم که این دوستان گرامی در راه پس درازی که پیش رو دارند درست
گام و دونده باشند و این نخستین گامی که برداشته اند آنها را تا رسیدن به مرز
شکوفایی های سبز تر راهنمون باشد.

مهرماه ۱۳۸۳ خورشیدی

محمد خاکشور "م. یسنا"